

Abstract

A Review of the Methods of Depriving Children and Adolescents of their Rights in United Nations Documents and Iran's Islamic Penal Code

DEPRIVATION OR RESTRICTION OF LIBERTY IS KNOWN TO BE ONE OF THE OLDEST METHODS OF DEALING WITH CRIMINALS AND IS STILL ONE OF THE MAIN PUNISHMENTS IN THE JUSTICE SYSTEM OF POPULAR COUNTRIES. SINCE, ACCORDING TO INTERNATIONALLY RECOGNISED PRINCIPLES, THE WAY THE JUSTICE SYSTEM DEALS WITH DELINQUENT CHILDREN AND JUVENILES SHOULD BE DIFFERENT FROM THAT OF ADULT DELINQUENTS, AND THE FAILURE TO REFORM AND REHABILITATE THIS GROUP OF SOCIETY IS MORE IMPORTANT THAN THAT OF ADULTS, FOR THIS REASON, IN RELATION TO CHILDREN AND JUVENILES, INSTEAD OF SENTENCING AND ENFORCING PUNISHMENT, WE USE PREVENTIVE AND EDUCATIONAL MEASURES, WHICH IS STILL ONE OF THE ANSWERS TO THE CRIMINAL PHENOMENON IN THIS AGE GROUP. IN THE FORM OF DOCUMENTS AND MEETINGS, THE UNITED NATIONS HAS MADE RECOMMENDATIONS TO MEMBER COUNTRIES TO RESPECT THE RIGHTS OF CHILDREN AND JUVENILE OFFENDERS SENTENCED TO IMPRISONMENT. THE UNITED NATIONS' RECOMMENDATION IS MOSTLY BASED ON THE MINIMUM AND REHABILITATIVE NATURE OF THIS TYPE OF EDUCATIONAL MEASURE. THE 10TH CHAPTER OF THE ISLAMIC PENAL CODE ALSO INTRODUCES THE DETENTION OF A CHILD IN A CORRECTIONAL CENTRE AS ONE OF THE PROTECTIVE AND EDUCATIONAL MEASURES THAT ATTEMPT TO HARMONISE THE TEACHINGS OF INTERNATIONAL DOCUMENTS AND JURISPRUDENCE.

Key words: children and teenagers in conflict with the law, children's rights treaty, reform and education center

بررسی شیوه های سلب آزادی از کودکان و نوجوانان معارض با قانون در اسناد سازمان ملل متحد و قانون مجازات اسلامی ایران مهرناز کشاورزی نژاد^۱ - عسل عظیمیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

چکیده

سلب یا محدود کردن آزادی افراد یکی از قدیمی ترین شیوه های برخورد با بزهکار شناخته می شود و هم کنون هم به عنوان یکی از مجازات های اصلی در سیستم قضایی کشورها پرطرفدار است. از آنجایی که طبق اصول شناخته شده بین المللی، نوع برخورد دستگاه قضایی با کودکان و نوجوانان بزهکار باید با بزهکاران بزرگسالان متفاوت باشد و عدم اصلاح و بازپروری این قشر از جامعه اهمیت بیشتری نسبت به گروه بزرگسالان دارد، به همین دلیل در خصوص اطفال و نوجوانان، بجای محکومیت و اجرای مجازات از اقدامات تاملی و تربیتی استفاده می نمایم که سلب کردن آزادی نیز همچنان یکی از پاسخ ها به پدیده مجرمانه در این گروه سنی است. سازمان ملل متحد در قالب اسناد و نشست ها، توصیه هایی به کشورهای عضو جهت رعایت حقوق اطفال و نوجوانان بزهکار محکوم به حبس کرده است. توصیه سازمان ملل بیشتر حول محور کمینه بودن و بازپرورانه بودن این نوع اقدام تربیتی است. فصل دهم قانون مجازات اسلامی نیز نگهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت رابه عنوان یکی از اقدامات تاملی و تربیتی معرفی نموده که تا حدودی سعی در هماهنگی مابین آموزه های اسناد بین المللی و آرای فقهی داشته باشد.

واژگان کلیدی: اطفال ونوجوانان معارض با قانون، معاهده حقوق کودک، کانون اصلاح و تربیت

Mehrnaz.keshavarzinejad@gmail.com

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Avocate.ir@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهرود، ایران

بروز رفتار های بزهکارانه از سوی اطفال و نوجوانان از نشانه های انحطاط اخلاقی یک جامعه محسوب میشود و هرچه سن شروع بزهکاری در جامعه پایین تر باشد نشانه به صدا درآمدن زنگ خطر است از همین رو نوع برخورد و مجازات اطفال و نوجوانان باید کاملاً متفاوت از بزرگسالان باشد چرا که در گروه اول یعنی نوجوانان، توجه به اصلاح و بازپروری و جامعه پذیر کردنشان در درجه اول اهمیت است در حالی که در گروه دوم یعنی مجرمان بزرگسال، سزادهی مهم ترین رکن مجازات محسوب می شود. موضوع اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار آنقدر مهم است که در اسناد شناخته شده سازمان ملل متحد توصیه شده حتی از بکارگیری لفظ «بزهکار» برای این گروه سنی اجتناب شود و بجای آن از عبارت «فرد معارض با قانون» استفاده گردد.

نحوه پاسخ به پدیده مجرمانه در خصوص افراد زیر هجده سال به درجه ای از اهمیت است که قانون مجازات اسلامی در فصل دهم به طور مجزا به این موضوع پرداخته است. در این فصل که تحت عنوان «مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» نامگذاری شده، دقیقاً به نگاه افتراقی حقوق کیفری بین اطفال و نوجوانان بزهکار و بزرگسالان اشاره می کند. در واقع در خصوص این قشر سنی پایین تر از ۱۸ سال باید بجای حکم به مجازات، وی را به انجام یک اقدام تامینی و تربیتی ملزم نماییم. یکی از این اقدامات تامینی و تربیتی نهادی تحت عنوان سلب آزادی یا نگهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت است. که با توجه به جرم ارتكابی و سن مرتكب در هنگام ارتكاب جرم می تواند مورد رای قاضی قرار بگیرد.

سلب آزادی در مورد اطفال و نوجوانان سازو کار منحصر به فردی دارد به طور مثال این گروه سنی باید از بزرگسالان جدا نگهداری بشوند بطوری که محل نگهداری بزرگسالان «زندان» و محل نگهداری افراد زیر هجده سال «کانون اصلاح و تربیت» است. همانطور که از اسم این نهاد پیداست، در بستر نگهداری طفل و سلب آزادی از او باید به جنبه بازپروری و اصلاح وی توجه ویژه داشت و کودک و نوجوانان در کانون های اصلاح و تربیت دارای حقوق ویژه ای هستند که این موضوع در مورد زندانیان بزرگسال وجود ندارد.

سازمان ملل متحد در اسناد و قوانین خود نیز نگاه ویژه ای به مساله سلب آزادی از کودکان و نوجوانان داشته است. هرچند در مورد حقوق کودک می توان به اعلامیه حقوق بشر و میثاقین توجه داشت اما تنها سند الزام آور که به طور خاص به حقوق کودک پرداخته، «معاهده حقوق کودک» است. امضای این معاهده به معنای تصویب آن است و آن را در کشور امضا کننده به مثابه قانون درمی آورد که ایران نیز به این معاهده پیوسته و در کشور ما لازم الاجرا محسوب می شود.

در کنار این سند الزام آور اسناد ارشادی نیز اهمیت به سزای در حوزه حقوق کودک دارند. هرچند این اسناد صرفاً جنبه توصیه ای داشته و لازم الاجرا نیستند اما در پیدایش یک عرف بین الملل تاثیر به سزایی خواهند داشت. مجموعه قواعد

سازمان ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری (قواعد پکن)، قواعد سازمان ملل متحد در مور حمایت از اطفال محروم از آزادی و اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری (قواعد ریاض) از جمله این اسناد غیر تعهد آورد هستند. در خصوص اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان بزهکار کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده اند از جمله کتاب «حقوق کیفری اطفال» نوشته دکتر امیرحسین نیازپور که فقط حول محور قوانین ایران در حوزه حقوق کیفری پرداخته است و همچنین کتاب «حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد» نوشته مریم عباچی که این کتاب نیز فقط به جنبه بین المللی مسایل کیفری کودکان نظر داشته و هیچ کدام در صدد بررسی تطبیقی موضوع برنیامده اند اما تحقیق حاضر نگاهی تحلیلی انتقادی به حقوق ایران با توجه به رهیافت های بین المللی دارد.

در این تحقیق سعی شده ابتدا به این سوال پاسخ داده شود که آیا قانون گذار ایرانی توانسته با توجه به رهنمودهای بین المللی، جهت گیری مناسبی در خصوص رعایت حقوق اطفال و نوجوانان محروم از آزادی داشته باشد؟ و در قدم دوم آیا این رویکرد جدید در فصل دهم قانون مجازات اسلامی تاثیری در اصلاح و بازپروری این گروه سنی داشته است یا خیر؟ روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. با امعان نظر بر رویه قضایی ایران و مروی بر اسناد بین المللی، به تحلیل منطقی مباحث خواهیم پرداخت. بنابراین ابتدا معیارهای پذیرفته شده بین المللی از نظر گذرانده خواهد شد و سپس نکات مثبت و احیاناً نواقص قانون جدید مورد تحلیل قرار می گیرد. همچنین در گردآوری مطالب از روش کتابخانه ای استفاده شده است. سازمان دهی تحقیق به این شکل است که در فصل اول ابتدا با انواع شیوه های سلب کننده آزادی افراد زیر ۱۸ سال آشنا می شویم و سازکار و شیوه اداره کانون های اصلاح و تربیت را مورد بررسی قرار خواهیم داد و در فصل دوم امکان کاهش و به حداقل رسانیدن مجازات های سالب آزادی در پرتو امکانات قانون مجازات اسلامی به رشته تحریر درآمده است و با توجه به تطبیقی بودن نوشته حاضر در هر بخش ابتدا در حوزه حقوق بین الملل مسایل مربوطه تحلیل و بررسی شده و سپس تشابهات نهادهای مربوطه با حقوق ایران تحت نظر قرار گرفته است.

مجازات های سالب آزادی

«پاسخ های سالب آزادی، آن دسته از ضمانت اجراهای حقوق کیفری اند که آزادی کودکان و نوجوانان بزهکار را برای دوره ای معین سلب می نماید» (نیاز پور، ۱۳۹۳: ۱۸۶) در اسناد سازمان ملل، محرومیت از آزادی اینگونه تعریف شده است: «محرومیت از آزادی، به معنای هر شکل از بازداشت یا زندان یا اقامت شخص در یک مجموعه بازداشتگاه عمومی یا خصوصی است به نحوی که بر اثر آن، شخص نتواند حسب دستور مقام قضایی، اداری یا سایر مقامات عمومی، به دلخواه خود ترک کند» (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 11b*).

این گونه ضمانت اجراها دارای طیف وسیعی هستند. براساس رهیافت‌ها و توصیه‌های بین‌المللی در خصوص کمینه بودن مجازات‌های سالب آزادی، برای کاهش و به حداقل رساندن این گونه مجازات‌ها، مواردی پیش‌بینی شده که خوشبختانه قانون مجازات اسلامی به آن توجه داشته است. برخی از این شیوه‌ها به صورت کاملاً بدیع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ راه یافته‌اند و برخی دیگر به صورت سنتی در نظام حقوقی ایران بوده‌اند که در این قانون هم تکرار شده‌اند. بنابراین در این فصل ابتدا شیوه‌های نوین سلب‌کننده آزادی بررسی می‌شود و سپس به روش‌های کلاسیک آن پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: سلب آزادی به شیوه نوین

منظور آن دسته از روش‌هاست که آزادی طفل را در روزهای خاصی از هفته و یا مکان خاصی غیر از کانون اصلاح و تربیت، سلب می‌نماید.

گفتار اول: سلب آزادی در پایان هفته

با توجه به اثرات سوء حضور ممتد طفل معارض با قانون در کانون‌های اصلاح و تربیت، قانون‌گذاران روش‌های نوینی را توصیه می‌کنند. یکی از روش‌ها حبس در روزهای پایان هفته است که هم از یک سو کودک به دلیل حالت خطرناکی که از خود نشان می‌دهد تنبیه گردد و از سوی دیگر آثار ناصواب کانون اصلاح و تربیت دامن‌گیر وی نمی‌گردد. یکی از مزیت‌های این روش آن است که گرچه کودک در طی هفته به فعالیت‌های روزمره خود ادامه می‌دهد و حتی می‌تواند به مدرسه برود، اما وی را مجبور می‌کنند که حداقل چند ساعت در هفته در سکوت و تنهایی، به زشت بودن عمل خود فکر کنند (صلاحی، ۱۳۹۲:۱۳۴). بعد از صدور حکم به حبس در روزهای آخر هفته، محکوم باید در روز و ساعت تعیین شده، خود را به محل مورد نظر معرفی نماید. بهتر است محکوم از لباس شخصی استفاده نماید. برنامه هر محل در مورد هر محکوم با توجه به وضعیت وی متفاوت خواهد بود. اجرای روش مذکور در مورد نوجوانان معتاد و کسانی که حالت تمرد و سرکشی دارند مناسب نیست.^۱

۱- اسناد بین‌المللی

بر اساس آموزه‌های اسناد سازمان ملل متحد، حبس باید به عنوان آخرین راه باشد. یعنی در مواقعی که هیچ‌گونه راه‌حلی برای بازپروری کودک و نوجوان وجود ندارد و وی دارای حالت خطرناک است، بهتر از حبس استفاده شود.

۱. تاج زمان دانش، طفل بزهکار کیست؟ روش اصلاح او چیست؟، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳.

بنابراین حبس در روزهای آخر هفته هم با این آموزه‌ها هم‌خوانی دارد و همچنین تضمین‌کننده اصل تناسب جرم با مجازات در خصوص اطفال معارض با قانون است. براساس این اسناد مدت زمان حبس باید تا حداقل ممکن پایین باشد. بنابراین محرومیت از آزادی باید به کمترین میزان ممکن با لحاظ تنظیمات نهادی، سلب آزادی و التفات به تنوع مجرمین و موسسات باید محدود شود در واقع اولویت با موسسات باز است.^۱

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

این روش در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده. طبق تبصره دوم ماده ۸۹، دادگاه می‌تواند به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال محکوم نماید. برای اینکه این مقرر شامل حال بزه‌کاران جوان شود، سن آنها باید در زمان ارتکاب جرم بین پانزده تا هجده سال شمسی باشد که فرقی میان دختر و پسر نیست و اینکه جرم ارتکاب یافته از نوع تعزیری باشد. همچنین قانون‌گذار، درجه تعزیر را هم مشخص نموده که تنها برای جرایم تعزیری درجه یک تا پنج امکان صدور حکم به حبس در روزهای آخر هفته وجود دارد. هرچند که از رهگذر ماده ۹۱، امکان صدور حکم این چنینی در خصوص جرایم حد و قصاص نیز وجود دارد. نکته حائز اهمیت، اشاره قانون‌گذار به روزهای آخر هفته است چرا که هدف اصلی از این گونه حبس‌ها آن است که طفل زندگی عادی روزانه خود را داشته باشد و به مدرسه برود. بنابراین صدور حکم به حبس نباید در روزهایی باشد که به این گونه فعالیت‌های نوجوان لطمه وارد کند. مشابه این مقرر در بحث جایگزین‌های حبس هم ذکر شده است. طبق ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی، نظام نوپایی تاسیس گردیده که تحت عنوان نظام نیمه آزادی از آن نام برده می‌شود. به این ترتیب که محکوم به حبس، به جای گذران اوقات خود در زندان، در محیط خارج از زندان به فعالیت‌های آموزشی و حرفه‌آموزی می‌پردازد.

گفتار دوم: سلب آزادی در منزل

در این روش نویافته، به جای راهی کردن طفل به کانون‌های اصلاح و تربیت، وی را در منزل خودش محبوس می‌نمایند. به این وسیله ضمن سپردن طفل به والدین و یا سرپرست قانونی او و یا به خانواده مورد اعتماد، شرایطی را برای وی تعیین می‌نمایند. به عنوان مثال شب‌ها از منزل خارج نشود، در اوقات فراغت خود حق خروج از منزل را ندارد، در روزهای تعطیلی باید در منزل حضور داشته باشد و غیره. اجرای روش مذکور دارای مزیت‌هایی است از جمله آنکه «طفل

^۱. *Beijing Rules, Article 19 and Commentary.*

در محیط خانه به سر می برد، اجرای این روش در همه جا امکان پذیر است، طفل به فعالیت های آموزشی علمی و یا فنی خود ادامه می دهد، حس انتقام جویی در طفل تقویت نمی گردد» (تاج زمان دانش: ۲۵۰).

۱- اسناد بین المللی

همانطور که در گفتار قبل بیان شد در اسناد سازمان ملل متحد، اصل بر کمینه بودن اجرای مجازات حبس است. بنابراین هر روشی که بر این عقیده صحه بگذارد مورد قبول جامعه ملل نیز خواهد بود. حبس در منزل هم یکی از روش هایی است که از ورود نوجوان به کانون های اصلاح و تربیت جلوگیری می کند. علاوه بر این از طریق حبس در منزل، می توان به اصل عدم برچسب زنی که مورد تاکید اسناد سازمان از جمله مقررات پکن^۱ هم هست، رسید.

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

در تبصره دوم ماده ۸۹ به حبس در منزل اشاره ای گذرا شده «دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می نماید حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد». بنابراین اقامت نوجوان در منزل می تواند تمام وقت و یا نیمه وقت باشد. اجرای این روش برای نوجوانان بین پانزده تا هجده سال میسر است. علاوه بر این جرم ارتكاب یافته باید از نوع تعزیری باشد.

گفتار سوم: نهاد نیمه آزادی

نهاد نیمه آزادی شیوه نوپایی است که بر طبق آن محکوم به زندان به جای سپری کردن اوقات خود در محیط زندان، به محیطی خارج از آن فرستاده می شود تا به فعالیت های آموزشی و حرفه آموزی بپردازد.

۱- اسناد بین المللی

قواعد سازمان ملل متحد در خصوص حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، اشاره به موسسات باز دارد. طبق این قواعد «موسسات باز موسساتی هستند که تدابیر امنیتی در آن بسیار کم و یا مفقود است». ^۲ نهاد نیمه آزادی در قانون مجازات اسلامی می تواند مصداقی از این موسسات باشد.

^۱. Beijing Rules, Article 8-1

^۲. U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 30.

۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

این نهاد در ماده ۵۶ قانون موصوف تعریف شده است «نظام نیمه آزادی شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاسیس می‌گردد».

صدور حکم نیمه آزادی منوط به شرایطی است که این شرایط در ماده ۵۷ بیان شده: «در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند، مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد که در فرآیند یا جبران خسارت وارد بر بزه دیده موثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است». و همچنین با توجه به قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۹۹ امکان استفاده از نهاد نیمه آزادی در در حبس‌های درجه یک، دو، سه و چهار نیز بعد گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

مبحث دوم: سلب آزادی به شیوه سنتی

سلب آزادی به شیوه سنتی در ایران از طریق حبس در کانون اصلاح و تربیت حاصل می‌شود. این طریقه رفتار با کودکان و نوجوان معارض با قانون قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، همیشه به عنوان اولین راه شناخته می‌شد. کانون اصلاح تربیت دارای ساختار ویژه‌ای است و کارکنان خاصی را می‌طلبد. بنابراین به هر کدام از مباحث باید به صورت مجزا پرداخته شود.

گفتار اول: ساختار موسسات سلب آزادی

با نگاهی به فصل دهم قانون مجازات اسلامی مشخص می‌شود فقط می‌توان نوجوانان بالای ۱۲ سال را به کانون اصلاح و تربیت فرستاد. طبق تبصره ۲ ماده ۸۸ در صورتی که طفل معارض با قانون رفتار مجرمانه حد و یا قصاص را مرتکب شود و دوازده تا پانزده سال قمری نیز داشته باشد، از سه ماه تا یکسال در کانون به سر خواهد برد. اینکه چرا قانونگذار در این مورد به خصوص از سال قمری استفاده کرده کمی عجیب است چرا که در همه موارد سال شمسی را انتخاب نموده بود. از سوی دیگر در ماده ۸۹ قانون نیز در مورد نوجوانانی که سن آنها در زمان ارتکاب جرم پانزده تا هجده سال شمسی

باشد و مرتکب جرایم تعزیری درجه یک تا پنج شده باشند، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را به عنوان یکی از اقدامات تامینی و تربیتی پذیرفته است.

۱- ساختار موسسات سلب آزادی در اسناد بین المللی

عمده دستوراتی که سازمان ملل متحد در خصوص ساختار و روند کار موسسات سلب آزادی کودکان و نوجوانان به دولت‌های عضو پیشنهاد می‌دهد، تحت عنوان قواعد سازمان ملل متحد در خصوص کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به صورت مدون درآمده است. طبق این قوانین ساختار موسسات به این صورت است که در صدر آن رییس موسسه باید فردی متخصص باشد که بتواند ارتباط بین دسته‌جات و نیروی انسانی موسسه را به وجود بیاورد. علاوه بر این هر موسسه باید به تعداد کافی معلم، معلم حرفه و فن، مشاور، مددکار اجتماعی، پزشک و روانپزشک در اختیار داشته باشد. کادر موسسه از طریق ریاست باید از زبده‌ترین افراد باشند که آموزش‌های لازم در خصوص رفتار با کودکان را دیده باشند^۱.

بعد دستگیری نوجوان باید کلیه اطلاعات مربوط به وی از جمله هویت شناسنامه‌ای، دلایل اعزام و شرایط خانوادگی، ثبت گردد. این اطلاعات در اولین فرصت تقدیم اداره زندان خواهد شد (Ibid, :33). نوجوان در بدو حضور در موسسه باید از کلیه حقوق خود مطلع گردد این کار از طریق نصب برچسب‌های مرتبط به دیوار موسسه یا دادن کاغذهای محتوی حقوق مختلف انجام می‌گردد. در خصوص نوجوانانی که سواد خواندن و نوشتن ندارند، بهتر است این کار به صورت شفاهی صورت پذیرد (Ibid, :24).

بعد از حضور نوجوان در موسسات سلب آزادی، باید از وی مصاحبه‌ای به عمل بیاید. این مصاحبه از طریق روانشناسان، مددکاران اجتماعی و پزشکان متخصص صورت می‌پذیرد. پرسنل مزبور باید گزارشی کامل از مصاحبه انجام گرفته ارائه دهند. این گزارش اطلاعات مفیدی را در اختیار کارگزاران موسسه در خصوص نحوه برخورد با کودک می‌گذارد. به عبارت دیگر پرسنل موسسه باید بر اساس همین گزارش، یک طرح مکتوب در مورد نوع برخورد، چارچوب زمانی، اهداف و شیوه درمان نوجوان ارائه دهند (Ibid, :27). بعد از تعیین نوع مراقبت و شیوه درمان، نوبت به دسته بندی نوجوانان می‌رسد. معیار اصلی در این دسته بندی، نوع مراقبتی است که به مطلوب‌ترین نحو، نیاز نوجوان را پاسخ می‌دهد (Ibid, :28-29)..

^۱. U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 81.

اسناد بین‌المللی به مرحله پسا کیفری هم توجه ویژه داشته اند به این صورت که موسسات سلب آزادی باید کلیه اقدامات لازم از قبیل خوراک و پوشاک و مسکن را در اختیار کودکان، در حین آزادی قرار دهد. بهتر است آژانس‌هایی به وجود بیایند که خدمات مزبور را ارائه دهند و نوجوانان را در بازگشت به جامعه مساعدت کنند (Ibid.:80).

۲- ساختار موسسات سلب آزادی در ایران

پیشینه قانون اصلاح و تربیت در ایران به پنج دهه قبل بازمی‌گردد. نخستین قانونی که به طور منسجم به چگونگی بهره جستن از این نهاد توجه داشت، قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ بود. طبیعتاً اجرای مجازات‌های سالب آزادی برای کودکان، نظامی یک پارچه با دستورالعمل‌های دقیق را می‌طلبد. همین نیاز باعث گردید تا آیین نامه اجرایی سازمان قانون اصلاح و تربیت در سال ۴۷ تهیه و تنظیم گردد. پس از کنارگذاری قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال این شبهه برای برخی به وجود آمد که شاید آیین نامه اجرایی هم به تبع آن منسوخ شده باشد ولی اعتبار آیین نامه وابسته به قانون اصلاح و تربیت است. بنابراین تا وقتی که قانون پابرجا باشد، آیین نامه هم اعتبار دارد. به هر حال با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و نیز آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، بزهکاران زیر ۱۸ سال برای گذران مدت محکومیت خود باید به قانون اصلاح و تربیت بروند. ولی برای ایجاد و ساختار قانون آیین نامه سال ۴۷ باید مد نظر قرار بگیرد (نیازپور: ۱۹۸-۱۹۹).

قانون اصلاح و تربیت بر طبق ماده ۲ آیین نامه اجرایی سازمان قانون و اصلاح و تربیت، دارای سه قسمت است. قسمت موقت، قسمت اصلاح و تربیت و قسمت زندان. قسمت موقت مربوط به آن دسته از کودکان و نوجوانانی می‌شود که طبق قسمت آخر ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در مورد آنان قرار بازداشت موقت صادر شده است. قسمت اصلاح و تربیت نیز برای آن دسته از نوجوانانی است که مدت محکومیت آنان حداکثر یکسال است و نوجوانانی که به حبس‌های بیشتر از یکسال محکوم می‌شوند به قسمت زندان فرستاده خواهند شد.

هر حوزه قضایی یک مدیر و به تعداد کافی معاون در اختیار خواهد داشت. وظیفه اصلی مدیر قانون آن است که هرگونه اصلاح و تغییر در عملکرد کودکان و نوجوانان معارض با قانونی که در قانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند را به اطلاع رییس دادگستری حوزه قضایی برساند تا امکان تخفیف و یا آزادی مشروط آنها از این طریق ارزیابی گردد. علاوه بر این نظارت بر حسن انجام وظایف کارگزاران از دیگر وظایف مدیر محسوب می‌شود.

هر قانون باید به تعداد کافی آموزگار و آموزگار تعلیمات حرفه‌ای داشته باشد. وظیفه این کارگزاران آن است که علاوه بر آموزش یک حرفه معین به کودک و یا نوجوان، هرگونه تغییر رفتاری طفل را به رییس قانون اطلاع دهند. علاوه

بر اینان، مددکاران اجتماعی هم باید بر اساس تجربه خود به شناسایی مشکلات کودک پردازند و در این رابطه بتوانند بهترین راه حل‌ها را برای طرف کردن این گونه مشکلات بیابند. مطابق آیین نامه اجرایی مددکاران اجتماعی مصوب ۱۳۷۹، مددکار اجتماعی فردی است که به دانش مددکاری و علوم اجتماعی و مهارت در تنظیم روابط انسانی مجهز است و خدمات مددکاری انجام می‌دهد. کانون‌های اصلاح و تربیت موظفند به تعداد کافی پزشک و روان‌پزشک در اختیار داشته باشند تا نسبت به معاینه کودکان و نوجوانانی که از لحاظ روحی و جسمی بیمار هستند انجام وظیفه نمایند.

مطابق مواد ۵۴ الی ۵۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، باید قسمتی تحت عنوان پذیرش و تشخیص در کانون اصلاح و تربیت وجود داشته باشد. محکومان در بدو حضور در کانون اصلاح و تربیت بهتر است در مدتی حدوداً حداقل یک هفته و حداکثر سه هفته در این بخش تحت معاینات و آزمایش‌های پزشکی و روان‌پزشکی قرار بگیرند تا از این طریق راه برای تشکیل یک پرونده شخصیت باز شود.^۱ بنابراین کانون اصلاح و تربیت با کمک مددکاران اجتماعی و این نوع معاینات علاوه بر تشکیل پرونده شخصیت، میزان حالت خطرناک آنان را می‌سنجند تا مبنای دسته بندی کودکان و نوجوانان معارض با قانون در گروه‌های مختلف باشد.

دسته بندی کودکان و نوجوانان در کانون‌های اصلاح و تربیت به آن خاطر انجام می‌گیرد که از تشکیل خرده فرهنگ‌ها در این کانون‌ها جلوگیری شود. علاوه بر این بهتر است بخش کودکان از نوجوانان جدا باشد چراکه اغلب کودکان کم سن و سال، مورد آزار و اذیت و بهره‌کشی بزرگترها قرار می‌گیرند (باصری، ۱۳۸۷: ۱۲۹). بعد از دسته بندی کودکان در گروه‌های مختلف بهتر است به بحث اصلاح آنها پرداخته شود. یعنی براساس مصاحبه و گزارش‌های روانپزشکی و پزشکی، بهترین روش برای بازسازی کودکی در نظر گرفته می‌شود نسبت به جامعه پذیری و آموختن هنجارها و ارزش‌های جامعه برای آنها اقدام مناسب به عمل می‌آید.

گفتار دوم: حقوق کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

کودک و یا نوجوان بزه‌کار هم مانند هر شهروند دیگر دارای حقوقی است؛ به عبارت دیگر سلب آزادی از کودکان و نوجوانان به معنای عدم حفظ حقوق دیگر او نیست. در نتیجه کودکان در بستر نهادهای کانون اصلاح و تربیت، باید از حقوق شهروندی و حقوق بشر متمتع باشند.

۱. آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰،

۱- حقوق اجتماعی

منظور از حقوق اجتماعی آن دسته از حقوقی است که تامین کننده رفاه و زندگی شایسته انسانها باشد. حقوق اجتماعی دارای گونه‌های متعددی است؛ حق بر بهداشت و درمان و غذای سالم حق بر داشتن تفریح و سرگرمی از جمله این حقوق است.

۱- ۱ اسناد بین‌المللی

رعایت حقوق و آزادی‌های کودکان در موسسات سلب آزادی، به درجه‌ای از اهمیت است که قواعد بین‌المللی، نقض آنها را موجبی برای پیگرد قانونی می‌شمارد (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 7*) بنابراین محرومیت از آزادی باید در شرایط و اوضاع و احوالی باشد که حقوق بشر در خصوص نوجوانان تضمین گردد.

قواعد مربوط به حمایت از کودکان و نوجوانانی که آزادی‌های آنان سلب شده، امکانات و تسهیلات زیادی را برای این قشر از جامعه در نظر گرفته و به قدری ریز بینانه دقت نظر داشته که حتی معماری ساختمان موسسه را مد نظر قرار داده است به نحوی که فضای فیزیکی و معماری ساختمان باید در تطابق کامل با اهداف بازسازی‌گری کودکان و نوجوانان باشد (*Ibid, Article:32*).

یکی از حقوق اجتماعی هر انسان، دسترسی به غذای مناسب و بهداشت عمومی است از این نظر نیز قواعد مزبور تاکید دارد که باید به نوجوانان محروم از آزادی، غذایی با کیفیت داده شود که هم با فرهنگ آن کودک مطابقت داشته باشد و هم در بردارنده الزامات دینی کودک و نوجوان باشد (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty, Article 36*).

به منظور آماده سازی بازگشت نوجوان به جامعه بهتر است حق تحصیل، مناسب نیازها و توانایی‌های طفل به او داده شود. این تحصیلات بهتر است در خارج از محیط موسسه باشد و در موقع اعطای مدرک به هیچ وجه نباید از این نکته که نوجوان تحصیلاتش را در موسسه سلب آزادی گذرانده، سخنی به میان آید. هر موسسه باید دارای کتابخانه‌ای باشد و در آن انواع کتاب‌های آموزشی در اختیار کودکان و نوجوانان محروم از آزادی قرار گیرد. یکی دیگر از حقوق نوجوان حق برخورداری او از تفریح و سرگرمی است که قاعده ۴۷ قوانین حمایت از کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به آن اشاره داشته است. هر کودک باید از فضای باز بهره‌برد و امکانات و تجهیزات ورزشی باید در موسسه مستقر باشد.

در خصوص مراقبت‌های پزشکی نیز باید گفت که در قواعد پیش گفته این مراقبت‌ها شامل درمان‌های پزشکی، دندان پزشکی، روانپزشکی و غیره است. این نوع درمان نه تنها کودکانی که از لحاظ جسمی و یا روانی بیمار هستند را در بر می‌گیرد، بلکه در مورد نوجوانی که معتاد به مواد مخدر هستند نیز اعمال می‌شود (Ibid, Article 49 and 51).

۲-۱ قوانین ایران

یکی از مصادیق بارز حقوق اجتماعی، زندگی در یک محیط سالم و عاری از هر نوع آلودگی است. بنابراین کودکان هم باید از حقوق بهره‌مند شده و در یک محیط بهداشتی دروان محکومیت خود را سپری کنند. ماده ۱۱۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به این موضوع مهم پرداخته است.

داشتن غذای سالم هم زیر مجموعه‌ای از این حق محسوب می‌گردد. به همین جهت ماده ۱۵۳ آیین‌نامه پیش گفته اعلام می‌دارد: «برنامه غذایی زندانیان به تناسب فصل‌های سال، توسط مدیرکل هر استان و بر اساس دستورالعمل‌های تغذیه صادره از سوی دفتر بهداشت و درمان سازمان تصویب و به مؤسسه‌ها ابلاغ می‌شود. مؤسسه تحت نظارت مسؤول واحد بهداشت و درمان و بر اساس برنامه تنظیمی نسبت به تأمین اعتبار و تهیه و تحویل مواد اولیه مرغوب و دارای کیفیت اقدام می‌کند. مدیران کل استان‌ها باید با توجه به شرایط و اوضاع اقلیمی هر محل نسبت به تغییر برنامه غذایی در محدوده اعتبار و برنامه مصوب اقدام کنند.» همچنین مواد اولیه این اغذیه باید مرغوبیت لازم را داشته باشند.

در خصوص درمان بیماری‌های جسمی و روانی اطفال و نوجوانانی که مدت محکومیت خود را در کانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند، باید گفت که مطابق ماده ۱۳۸ آیین‌نامه فوق‌الذکر، بهداری مؤسسه موظف است با ارزیابی وضعیت بالینی زندانی تازه وارد وضعیت او را از جهت بیماری یا سلامتی مورد ارزیابی قرار دهد. بهتر است برای راحتی در رفت و آمد محکومان، این بهداری‌ها در کنار موسسات و زندان‌ها باشند مگر اینکه بیماری نوجوانان به حدی حاد باشد که امکان درمانش در بهداری موصوف غیر عملی به نظر بیاید (آیین‌نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت مصوب ۴۷، ماده ۱۴).

هر کودک و یا نوجوان محکوم، به محض احساس کسالت باید جریان امر را به مسئول نگهداری مربوطه اطلاع دهد و با اخذ معرفی‌نامه به بهداری کانون مراجعه نماید (آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰، ماده ۱۴۰).

تفریح و سرگرمی در محیط کانون، علاوه بر داشتن جذابیت برای کودکان و نوجوان می‌تواند بار آموزشی هم برای آنان داشته باشد. انجام ورزش‌های صبحگاهی برای محکومانی که قادر به انجام این حرکات هستند اجباری است و همچنین هر کانون باید به دستگاه‌های ورزشی و احیاناً مربیان مربوطه مجهز باشد.

آموزش و پرورش سهم به‌سزایی در بازسازی و جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کند. ضمن اینکه اغلب کودکانی که به سمت ارتکاب جرم سوق پیدا کرده‌اند، از آموزش صحیح بی‌بهره ماندند. بنابراین به موجب ماده ۱۷۴ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، «به منظور توسعه برنامه‌های بازسازی، کاهش آسیب‌های حبس، کمک به رفع نیازهای مادی و معنوی محکومان و خانواده آن‌ها و خودکفایی و خوداشتغالی زندانیان، سازمان مکلف است با همکاری بنیاد تعاون، حتی المقدور امکان اشتغال تمامی زندانیان حاضر در مؤسسه‌های کیفری را که متقاضی اشتغال هستند، فراهم کند. در این راستا سازمان می‌تواند اعتبار مورد نیاز را از محل بودجه مصوب، کمک‌های انجمن یا درآمدهای بنیاد تعاون، کمک‌های مردمی و مانند آن، در چارچوب مقررات قانونی، تأمین کند و در جهت حرفه‌آموزی و اشتغال زندانیان به اموری که با اقتصاد بازار ارتباط مستقیم دارد (اشتغال مولد و پایدار)، متناسب با قابلیت‌ها و استعدادهای فردی به کار گیرد و همچنین نسبت به فراهم کردن مشوق‌های لازم با هدف به‌کارگیری و اشتغال زندانیان آزادشده و رفع موانع تولید و اشتغال برای کارآفرینانی که نسبت به ایجاد اشتغال و خودکفایی مؤسسه‌های کیفری سرمایه‌گذاری و مشارکت می‌کنند و نیز کارآفرینانی که زندانی هستند اقدام کند. این اقدام‌ها و همچنین قراردادهایی که در این راستا منعقد می‌شود، باید با رعایت ضوابط و مقررات و عاری از انحصار و در راستای صیانت از حقوق زندانیان باشد». همچنین بر پایه آیین‌نامه موصوف، بهتر است در هر مؤسسه یک کتابخانه برای علاقه‌مندان و بالا بردن سطح معلومات محکومان وجود داشته باشد.

مطابق ماده ۲۲ آیین‌نامه کانون اصلاح و تربیت «اطفالی که در کانون به تحصیل یا کارآموزی اشتغال دارند از طرف مدیر کانون ممکن است جهت شرکت در امتحانات به مراجع مربوطه معرفی بشوند».

۲- حقوق قضایی

منظور آن دسته از حقوقی است که باعث منصفانه شدن جریان عدالت کیفری می‌شود. حق اطلاع از حقوق، حق داشتن وکیل و حق بر مرخصی و ملاقات از جمله این حقوق است.

۲-۱ اسناد بین‌المللی

از جمله حقوق قضایی که اسناد بین‌المللی به آن تاکید داشته، حق داشتن ملاقات و ارتباط با دنیای بیرون از موسسه و حق برخورداری از معاضدت و مشاوره حقوقی است.

کودک و نوجوان باید در مواقع مورد نیاز با وکیل خود در ارتباط باشد، این ارتباط به این منظور حاصل می‌شود که کودک از حقوق خود مثل حق تجدیدنظرخواهی و یا اعاده دادرسی مطلع گردد. این حق در قواعد پکن تصریح شده، طبق قاعده ۱-۱۵ قواعد مذکور نوجوان حق دارد در سراسر رسیدگی از راهنمایی‌های یک مشاور حقوقی بهره‌بردارد. این مشاوره حقوقی باید رایگان بوده و به طور منظم با طفل بزهدکار در ارتباط باشد (*U.N Rules for the Protection of Juvenile* Article 17 a Deprive of their Liberty).

از دیگر حقوق کودک، حق ارتباط وی با دنیای خارج و داشتن حق ملاقات است. به همین جهت هم باید کلیه وسایل و امکانات به منظور ارتباط نوجوان با دنیای خارج فراهم گردد. هر کودک و نوجوان محروم از آزادی باید این حق را داشته باشد که به طور منظم با خانواده و دوستان خود در خارج از زندان ارتباط و ملاقات داشته باشد (*Beijing Rules*, Article 5-26). به علاوه ایام مرخصی باید جزء دوران محکومیت وی شمرده شود (*U.N Rules for the Protection of Juvenile Deprive of their Liberty*, Article:59).

در نهایت برای دستیابی به حداکثر مطلوبیت این گونه حقوق، بهتر است کودکان از وجود آنها مطلع باشند. به این منظور، قاعده ۲۴ قوانین مربوط به حمایت از نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده، بیان می‌دارد که در اولین فرصت بعد از اعزام نوجوان باید یک برگ محتوی کلیه حقوق و تکالیف و همچنین نشانی آژانس‌هایی که معاضدت قضایی به نوجوانان ارائه می‌دهند، به وی داده شود تا از همان ابتدا حقی از وی ضایع نگردد.

۲-۲ قوانین ایران

کانون‌های اصلاح و تربیت ایران به منظور آموزش دموکراسی و ارجح بودن رای اکثر بر اقل، اقدام به تشکیل یک شورا نمودند. سازو کار این شورا به این نحو است که ابتدا کودکان و نوجوانانی که مایل به فعالیت در شورا هستند، کاندید شده و تایید صلاحیت می‌شوند. این کاندیداها می‌تواند برای خود فعالیت تبلیغی هم انجام دهند. بعد از انجام انتخابات و شمارش آرای ماخوذه، اعضای شورا انتخاب می‌شوند. یکی از وظایف شورا آن است که حقوق مربوط به اطفال از جمله کنوانسیون حقوق کودک را مطالعه و آن را به نوجوانانی که دروه محکومیت خود را می‌گذرانند، آموزش دهند. رسیدگی و انتقال مشکلات به کارزگران مدیریتی از وظایف دیگر این شورا است (باصری: ۱۳۱). به منظور تحکیم روابط خانوادگی،

باید به کودکان و نوجوانان محکوم، مرخصی داده شود. این حق در ماده ۱۹۴ آیین نامه اجرایی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به رسمیت شناخته شده است.

از دیگر حقوق قضایی، حق داشتن وکیل است که در ماده ۲۶ آیین نامه اجرای سازمان کانون اصلاح و تربیت مصوب ۴۷ به آن اشاره شده است.

فصل دوم: چگونگی تعدیل پاسخ‌های سالب آزادی

حضور در کانون‌های اصلاح و تربیت به دلیل صبغه اخلاقی و انگ زدن بر طفل، می‌تواند اثرات سوئی داشته باشد. از همین رو در مراحل مختلف فرآیند کیفری، شیوه‌هایی در قانون پیش‌بینی شده که مدت حضور طفل در کانون کم و کمتر شود. این شیوه‌ها عبارتند از کاهش مدت حبس و اعطای آزادی مشروط که به هر کدام پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: کاهش مدت حبس

در تعیین مدت اقامت کودک و نوجوان در کانون اصلاح و تربیت، شخصیت مجرم مدخلیت دارد. در خصوص این قشر از بزه‌کاران نباید به نوع جرم ارتكابی در تعیین مدت توجه شود، بلکه خود مجرم باید مورد توجه قرار بگیرد. مدت اقامت از یک سو باید کوتاه باشد و از سوی دیگر با شرایط و اوضاع احوال طفل مناسبت داشته باشد (منوچهریان، ۱۳۴۱: ۴۸). کاهش مدت حبس، سیاست تعدیل سلب آزادی است به نحوی که کارگزاران قضایی با توجه به تغییرات نوجوان در کانون‌های اصلاح و تربیت، این امکان را برای وی مهیا می‌سازند. بنابراین مدت حبس در کانون اصلاح و تربیت باید به صورت نامعین باشد.

گفتار اول: اسناد بین‌المللی

پیشرفت‌های جرم‌شناسی حکایت از آن دارد که استفاده عملی از موسسات سلب آزادی کودکان، موفقیت خود را از دست داده؛ بنابراین باید به عنوان آخرین راه مورد استفاده قرار بگیرد. در راهی کردن کودک و نوجوان معارض با قانون به کانون‌های اصلاح و تربیت باید دورویکرد اساسی تبیین کرد، اول آنکه از نظر روش تربیتی باید به عنوان آخرین راهکار باشد و در ثانی از نظر زمانی به حداقل ممکن برسد. پس اگر نوجوانی در موسسه‌ای زندانی است، محرومیت از آزادی وی

باید به کمترین زمان ممکن کاهش یابد. علاوه بر این موارد، هدف اصلی در سلب آزادی از کودکان و نوجوانان بازپروری آنهاست، بنابراین باید تسهیلاتی برای طفل در نظر گرفته شود که موسسات بیشتر جنبه اصلاحی داشته باشند تا صبغه زندان.^۱

گفتار دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

این روش در قانون مجازات اسلامی در ماده ۹۰ه پیش بینی شده است. «دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت، یک بار در رای خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل و یا نوجوان به ولی یا سرپرست او تبدیل نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر، در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد»

طبق ماده ۹۰ کاهش مدت سلب آزادی منوط به دو شرط است :

اولا آنکه میزان یک پنجم از مجازات سپری شده باشد؛ ثانیا با توجه به قسمت نخست ماده، رفتار کودک و نوجوان باید مورد تایید مددکاران و کارگزاران تربیتی باشد. بعد از ارزیابی شرایط مذکور توسط مقام قضایی، وی این اختیار را دارد که یا مدت مجازات را تقلیل دهد و یا اینکه آن را تبدیل به اقدام تامینی و تربیتی دیگری نماید.

مبحث دوم: آزادی مشروط

«آزادی مشروط عبارت است از آزادی معجزم پیش از اتمام مجازاتش تحت شرایطی که مقام اعطا کننده مقرر می کند»^۲.

آزادی مشروط یک اقدام اداری است که به وسیله یک نهاد اداری اعطا می گردد و به وسیله آن فرد، بقیه مدت محکومیت خود را در اجتماع اما زیر نظر می گذرانند. بنابراین محکوم از پیامدهای عملش مبرا نمی شود، لکه ننگ ناشی از عمل پاک نمی شود و مجازات هم چنان به قوت خود پابرجاست و در صورتی که محکوم دوباره مرتکب عمل خلاف گردد، مجازات عمل سابق در مورد وی به اجرا در می آید.

گفتار اول: اسناد بین المللی

^۱. Beijing Rules, Article 19 and Commentary.

^۲. محمد آشوری، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گزایش، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.

اعطای آزادی مشروط کمک موثری در کاهش جمعیت کانون‌های اصلاح و تربیت و همچنین کاهش تکرار جرم به عمل می‌آورد. اسناد مرتبط با حقوق کیفری اطفال نیز این نکته را از نظر گذراننده و تاکید می‌کنند آزادی مشروط باید در اولین زمان ممکن به کودک و نوجوان محروم از آزادی اعطا گردد. حکم آزادی مشروط باید حتما توسط یک مقام ذیصلاح صادر گردد (Beijing Rules, Article:1-28)

ادله ای که منجر به صدور حکم آزادی مشروط می‌شود عبارتند از پیشرفت در زمینه بازپروری و بهبود حالت خطرناک. در خصوص کسانی که در ابتدای حضور در موسسه از خود حالت خطرناک نشان می‌دادند، ممکن است آزادی مشروط همراه با تعهداتی باشد. تعهداتی از قبیل رفتار خوب کودک و نوجوان و در جامعه و حضور در کلاس‌ها و برنامه‌های مرتبط (Ibid)

گفتار دوم: قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

هرچند که فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به طور صریح به اعطای آزادی مشروط به کودکان و نوجوانانی که آزادی آنها سلب گردیده اشاره‌ای ننموده است، اما از قسمت اخیر ماده ۹۰ می‌تواند فهمید که این حق را برای کودکان و نوجوانان به رسمیت شناخته. طبق این ماده، تقلیل مدت حبس، مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانون با تحقق شرایط آن نیست.

ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی شرایطی را برای اعطای آزادی مشروط در نظر گرفته است.

اول آنکه جرم ارتکاب یافته از نوع تعزیری باشد. در این خصوص سوالی به ذهن متبادر می‌شود که آیا امکان اعطای آزادی مشروط در جرایم حد و یا قصاص با توجه به ماده ۹۱ وجود دارد یا خیر؟ با امعان نظر به قسمت اخیر ماده موصوف، پاسخ به این سوال منفی است. چرا که در ماده ذکر شده، در صورتی که کودک و نوجوان، قبح عمل ارتكابی را درک نکنند، با سایر اقدامات تامینی و تربیتی مذکور در این فصل محکوم خواهند شد. بنابراین نهاد آزادی مشروط که در فصل دهم قانون ذکر شده است، از این قاعده مستثنی است (نیاز پور: ۲۳۰).

به نظر می‌رسد این پاسخ، پاسخ درستی برای سوال بالا نیست. چرا که در ماده ۹۱ ذکر شده، امکان استفاده از سایر اقدامات تامینی و تربیتی مذکور در فصل دهم برای کودکان و نوجوانانی که قبح عمل ارتكابی را درک نکنند، وجود دارد. فرستادن کودک و نوجوان به کانون اصلاح و تربیت یکی از این اقدامات است. بنابراین وقتی کودک یا نوجوانی دوران

محکومیت خود را در کانون های اصلاح و تربیت سپری می کند مطمئناً می تواند از روش های تعدیل این واکنش هم استفاده کند که آزادی مشروط هم یکی از این روش هاست.

دوم آنکه کودک یا نوجوان ظرفیت بازپرورانه داشته باشد، به این معنی که شایستگی اعطای آزادی مشروط از لحاظ اخلاقی را داشته باشد؛ از خود حسن اخلاق نشان دهد و حالاتش بیان گر این موضوع باشد که دیگر مرتکب جرم نمی شود. سوم آنکه ضرر و زیان مدعی خصوصی را تا آنجا که استطاعت دارد پرداخت کند .

نهاد آزادی مشروط بستری را برای کودک و نوجوان مهیا می کند تا از رهگذر آن، رفتار کودک در صورت آزادی مورد سنجش قرار بگیرد. بنابراین بر اساس ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی در صورت نادیده گرفتن دستورات قضایی در دوره آزادی مشروط، سازوکاری اندیشیده شده که تا در پرتو آن یا مدت دوره آزادی مشروط افزایش پیدا می کند و یا اینکه در صورت ارتکاب یک جرم جدید، علاوه بر مجازات این جرم، باقیمانده مدت حبس نیز باید اجرا گردد.

نتیجه گیری

تحقیق پیرامون اقدامات تامینی و تربیتی اطفال بزهکار در ایران، معلوم ساخت که این نظام نوپا، تمامی جهد خود را مصروف مقارن سازی قانون ایرن با آموزه های بین المللی نموده است. ولی در نهایت بازهم کاستی هایی مشاهده می شود. اصولا اسناد بین المللی به دلیل عام الشمول بودن، به صورت کلی به بیان مصادیقی پرداخته است. این مصادیق و دستوالعملها، در مورد کشوهای بیشتر کاربرد دارد که از نظر نظام قضایی در خصوص کودکان، غنی نبوده و ضعف عملکرد دارند. در این اسناد آنچه بیشتر مورد تاکید قرار گرفته، تامین حداکثر رفاه برای کودکان و نوجوانان است. این حداکثر رفاه باید به قوانین کیفری نیز تعمیم بیابد.

معاهده حقوق کودک به عنوان یک قانون در کشور ما لازم الاجراست از همین روست که در بسیاری موارد اجرای حکم اعدام یا قصاص برای افراد زیر ۱۸ سال به تعویق می افتد و بعد از پایان سن ۱۸ سالگی این نوع مجازات اجرا می شود . سلب آزادی از اطفال و نوجوانان معارض با قانون هم باید بر اساس همین آموزه ها صورت پذیرد .

قانون مجازات اسلامی توانسته با سیاست افتراقی مد نظر سازمان ملل متحد در خصوص اطفال و بزرگسالان را تاحدی اجرا نماید ولی متاسفانه در اجرای این قانون کاستی هایی مشاهده می شود به عنوان مثال در تمامی شهرها کانون اصلاح و تربیت وجود ندارد و علی رغم توصیه های موکل سازمان ملل متحد امکان جداسازی مجرمان بالای ۱۸ سال با کودکان نیست و ظرفیت این سازمان ها بسیار محدود است و تا هنوز راه بسیاری تا همانند سازی نظام کیفری ایران در حوزه حقوق کودک با رهیافت های بین المللی وجود دارد.

- امیر حسین نیاز پور، حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، ۱۳۹۳
- آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- باصری، علی اکبر، سیاست جنایی قضایی کودکان، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷.
- جاوید صلاحی، کیفرشناسی، نشر میزان ۱۳۹۲
- دانش، تاج زمان، طفل بزهکار کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- صلاحی، جاوید، کیفر شناسی، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- علی اکبر باصری، سیاست جنایی قضایی کودکان، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۷
- منوچهریان، مهرانگیز، مسئله بزهکاری اطفال، انتشارات بهمن، ۱۳۴۱.
- مهرانگیز منوچهریان، مساله بزهکاری اطفال، انتشارات بهمن،

Convention On the Rights of the Child, 1989 and its translation.

U.N. Guidelines for the Prevention of Juvenile Delinquency, 1990.

U.N. Standard Minimums Rules for Non-custodial Measure, 1990 and its translation.

U.N. Standard Minimums Rules for the Administration of Juvenil Justic.